

دانش: نوشدارو، ثروت، یا هر دو

این مقاله به مناسبت جشن فارغ التحصیل دانش آموختگان دانشگاه بدخشان نگارش یافت.



نگارنده: صفر محمد روشانیپور، فارغ التحصیل رشته ریاضی دانشگاه بدخشان

ویرایش و پیرایش: نوروز علی ثابتی

تاریخ: 16 دسمبر 2016

دانش، نوشداوری است که اثر زهر فقر را از بین میبرد (از گفته های ثابتی)؛ و یا بطور خلاصه می گویم: دانش، کلید ثروت و موفقیت است

فقر در ابعاد مختلف و به گونه های مختلف سر بر می آورد. فقر تنها به گرسنگی و برهنگی محدود نمی شود. فقر، در اصطلاح عام، عدم دسترسی به چیز هایی است که ضرورت اولیه جامعه بشری اند که عبارت از نداشتن خوراک، پوشاک، و خانه است، و یا در مجموع فقر، در اختیار نداشتن ثروت است.

ولی در اصطلاح خاص، فقر، یعنی نداشتن سواد است. فقیر کسی است که از دانش امروزی بی بهره مانده باشد. بناءً، فقر به اشکال و اقسام مختلف می تواند بروز کند. فقر فرهنگی، فقر بهداشتی، فقر سواد، که از جمله بنیادی ترین عوامل فقر هستند که یک جامعه را به هرج و مرج می کشانند. فقر را هر روز به چشم سر معاینه می کنیم.

فقر، همان گرد و خاکی است که بر بالای کتاب های بفروش نارسیده، در یک کتاب فروشی نشسته است؛

فقر، انداختن کتافات در جاده ها است، تا چهره محیطی که در آن زندگی میکنیم، کثیف تر کند؛ فقر، انداختن پوست میوه جات در جاده ها است، تا پیر مردی، زنی، و یا کودکی از آن مسیر بگذرد و پایش بر آن بلغزد و به زمین بیفتد.

بطور فشرده باید بگویم که: فقر، شب را بی غذا بسر بردن نیست؛ بلکه فقر حقیقی، روز را بی اندیشه گذرانیدن است.

دانش مقام و منزلت والایی دارد. دانش همانند گنجینه ای است که در دل صخره ها جا دارد، که باید شگافته شوند، و علم از آنجا استخراج گردد. زمینه ای که امروز در نهاد های آموزشی برای نسل نو مساعد شده، واقعاً قابل افتخار است تا جوانان با افکار نوین و دانش عصری را از آن خود کنند. دانش و اندوخته های علمی و مسلکی، چیزی نیست که بر تاقچه بالا مانده شوند و از یاد و خاطرات ما، زوده شوند؛ بلکه ما اکنون برای کسب بیشتر دانش آماده شده ایم و باید تلاش بیشتری بخرج دهیم.

بر سر راه علم و معرفت خیمه باید زد، از جاده های پر پیچ و خم آن عبور باید کرد، و از شاخسار این درخت ابدی، میوه معرفت باید چید. آن دریایی است که اکنون قطره از آن در اندیشه ما رخنه یافته است.

ما در جهانی زندگی می کنیم که ارتباطات در آن نقش عمده و اساسی را بازی می کنند. همه ی ما انسانها، در یک قطار پرشتاب، سوار هستیم. این قطار همان فضای جهانی شده ی، امروزی است؛ زیرا که امروز جهان ما به یک دهکده تبدیل شده است.

دانشمندان در سابق میگفتند که جهان را و مردم جهان را با دو چیز می توان مسخر کرد. مثلاً دقیقی بلخی گفته است.

به دو چیز گیرند مرمملکت را یکی پرنیانی یکی زعفرانی

یکی زرّ نام ملک بر نبشته دگر آهن آب داده یمانی

این دو چیز عبارت بودند از زرّ، و زور (و یا بطور ساده تر) با ثروت و قدرت می توان جهان را تسخیر کرد. بعداً، یک مقوله دیگر به آن افزوده شد که عبارت از تزویر است. یعنی، با زرّ، زور، و تزویر، می توان مهار خلق جهان را در دست گرفت و بر آنها حکومت کرد.

اما اکنون، جهان ما و جهان بینی نوع بشر تغییر کرده است. امروز باید گفت به دو چیز می توان بر دیگران حکومت کرد: یکی (کفایت، کار آمدی، و تدبیر در امور) و دیگری مشروعیت، عقلانیت و آگاهی که از طریق نهاد های علمی در اختیار جوانان قرار میگیرد تا از مؤلفه های مشروعیت، عقلانیت، و روشن فکری، آگاهی برخوردار باشند.

ما دانش آموختگان، امروز نه تنها فراغت تحصیلی خویش را جشن گرفته ایم، بلکه در واقع، ما در اینجا برای تجلیل کردن از دانش اندوزی و آگاهی یافتن از اندیشه ها در اینجا گرد هم آمده ایم تا شمع هایی که در ذهن ما روشن شده اند، برای شکرانه نور افروزی ی آنها در افکار ما، این روز بزرگ را تجلیل می کنیم. ما با افکار منور و روشن به جامعه ی ما تقدیم شده ایم تا مصدر خدمت خوبی برای جامعه ما و الگوی خوبی برای جوانان و نو جوانان باشیم. مکلفیت وجدانی ی اول ما به عنوان قشر تحصیل کرده، مبارزه با هر گونه بی عدالتی ها، تبعیض و تعصّب است. از همین رو، ما به بلندای آسمان، شعار سر می دهیم که:

ای بردران و خواهران، ائتلاف باید باید کرد،

شمشیر تعصّب را غلاف باید کرد؛

عدل را باید در نظر گرفت و انصاف باید کرد؛

تا تعصّب زدوده شود؛ با متعصّب، خلاف باید کرد؛

دیگر، هیچ اختلافی روا نخواهد بود؛

فقط بر ضدّ تعصّب، رفتار باید کرد.

ملت ما نیاز به فرهنگ سازی دارد، و نیاز به اندیشه سازی سالم و مثبت دارد. باید بدانیم که ما و جامعه ما، از دل یک تاریخ پر نشیب و فراز به عرصه ی وجود آمده ایم و این تاریخ بوده که متأسفانه، ما را انسان های کج اندیش و منفی نگر بار آورده است. ما به یک ماشین و یا موتوری نیاز داریم که محور های محرک آن، ما را به انسان های واقعی، مثبت گرا و نوع دوست تبدیل کند، و آن ماشین انسان سازی، مکتب، درس و تعلیم است. فقط دانش است که ذهن، فکر، بینش، و طرز تلقی انسانها را تغییر میدهد.

مرحبا برای شما استادان گرانقدر که از یمن و برکت شما، اندیشه های سالم در ذهن ما پرورده شد و ما را به مثابه انسانهای آموزش دیده، با اندیشه سازگار به جامعه تقدیم کردید.

جزاکَ اللهُ فی الدّارین خیرا. خداوند (ج) اجرش را برای شما هم در دنیا و هم در آخرت ارزانی دارد.